

## رهی معیری

### مجرد و زن دوست

جناب شاعر تقریباً پنجاه سال از عمر شریفش میگذرد ۳۵ سال است که شعر می گوید و پنجاه سال تمام است که دوستدار موی خوش و روی دلکش است ، اما با همه این احوال اگر کتاب رهی را رؤیت بفرمائید بسکه بخودش ورمیرود و ترکل و ورگل است که خیال می کنید با يك جوان بیست و پنج ساله روبرو هستید

اما دلیل اینکه رهی چرا زن نمیگیرد و مجرد مانده خودش سری است که من و شما شاید کمتر از این رمزلا بزال حالیمان شود ، بقول معروف بزیدی گفتند چرا زن نمیگیری ؟ گفت :

- « معلم »

حالا اگر رهی هم زن نمیگیرد شاید برای اینکه شاعر است شاعر نمیتواند دل خود را بند بزند ، مجوس شود - فکر خانه و خانواده کند ؛ دوست دارد بهر چمن که میرسد گلی بچیند و برود پای گل نشستن خارش میکند ، سوززه از بین میرود ، مضمون کم می شود و قافیه هم می سوزد ، در هر حال اینکه تابع حال رهی مجرد مانده و خودش مجبور است کت و شلوارش را « ماهوت پاک کن » بکشد خودش مسئله ایست که چندان بیعت و نقل ما مربوط نیست گر چه صحبت ما درباره تاثیر ازدواج در هنر است ولی فی کل نفسه این بیعت تقریباً از عهده ما خارج است

زندگی رهی بعد از بیست سال خدمت دولت وسی و پنج سال شعر و شاعری و قافیه پردازی عبارت است از چند جلد کتاب شعر ، يك صندلی و میز تحریر ، چند دست لباس و پوشش و بیست سی تا کراوات که معشوقه های پنهانش برایش خریده اند و يك حقوق مقرری اداری و مثنی غزل همین و همین جناب شاعر هم بیش از اینها توقع ندارد



کدای میکده ام لیک وقت مستی بین  
 که حکم بر فلک و ناز بر ستاره کنم  
 اما بجای اینکه تاثیر ازدواج بر هنر را در اشعار رهی مورد  
 سخن قرار دهیم جریان عینا بعکس است و باید ناچار بخاطر اینکه  
 ایشان سروهمسرقانونی و شرعی ندارند تاثیر تجرد را در اشعار شاعر  
 ببینیم .  
 خوبی تجرد اینکه جناب رهی برای هر دل ودلیبری که داش

بخواهد شعر میگوید بکروز برای یار موطلائی :  
بود لرزان شعله شمعی در آغوش نسیم

لرزش زلف سمن سای توام آمد بیاد

بکروز برای یار خرمائی و روز دیگر برای دلبر سیه مو

تاکنون متاسفانه از اشعار رهی مجموعه ای انتشار نیافته است آنچه که از این شاعر دیده شده جسته و گریخته در مجلات ادبی بوده است اما طرفداران رهی اشعار دلپذیر او را بیش از آثار رهی بیشتر در قالب قطعات انتقادی سیاسی و ترانه یا تصنیف است اما غالباً رهی را بغزلیاتش می شناسند ، وی پیرو اساتید گذشته شعر و قواعد عروضی شعر فارسی است و با شعر نو مخالف است اما در عین حال که در اصول کار با شعرای متقدم همراه است رنگ و بوی مخصوص قرن و زمان معاصر را نیز در آثار وی میتوان دید

رهی چون پا بند زن و فرزند نیست هر چند وقت يك مضمون و منبع الهام برای شعر خود مییابد و برای اینکه بتواند همیشه مضمون نو بدست آورد ازدواج نمی کند نتیجه اینکه میتوان تاثیر زمان را در اشعار رهی جستجو کرد ، این شعر از کارهای قدیم شاعر است یعنی آن موقعی که شاعر جوان بود :

توای بی بها شاخك شمعدانی

که بر زلف معشوق من جا گرفتی

عجب دارم از کو کب تا طالع تو م انسانی

که بر فرق خورشید ما وا گرفتی

مگر طاهر بوستان بهشتی ؟

که جا بر سر شاخ طوبی گرفتی

مگر دست اندیشه مائی ای گل ؟

که زلفش بعمجز و تمنا گرفتی

گرت نیست دل از غم عشق خونین

چرا رنگ خون دل ما گرفتی

نه تنها در آن حلقه بومی نداری

که با روی او آبرومی نداری

ملاحظه میکنید در این شعر الفاظ شعر با مهارت و دل انگیز



بکاررفته اند. ولی خود شعر درعین حفاظت فورم و وزن اثر قابل ملاحظه ای نیست و تنها به یکبارخواندندش میارزد  
 اما اشعار امروز شاعر نوعی تاثیر شدید را در بردارد که با اشعار گذشته شاعر بسیار فرق دارد غزل هائیکه امروزه میسازد حد فاصل شعر قدیم و جدید است این اشعار درعین زیبایی و روانی ، دردی دارد تاثیری دارد .

نه دل مفتون دلبندی ، نه جان مدهوش دلخواهی  
 نه بر مژگان من اشکی ، نه بر لبهای من آهی  
 نه جان بی نصیبم را پیامی از دل آرامی  
 نه شام بی فروغم را نشانی از سحر گاهی  
 نیابد محفلم گرمی نه از شمع می نه از جمعی  
 ندارد خاطر من الفت نه با مهری نه با ماهی  
 کیم من ؟ آرزو کم کرده ای تنها و سرگردان  
 نه آرامی ، نه امید می ، نه همدردی نه همراهی  
 گهی افتان و خیزان چون غباری در بیابان  
 گهی خاموش و حیران چون نکاهی بر نظر گاهی  
 رهی تا چند سوزم در دل شبها چو کوبها  
 باقبال شرر نازم که دارد عمر کوتاهی

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 (( مژده ))  
 بر مال حال علوم انسانی

اداره مطبوعات کیان در مهر ماه یکپنجاه و سیصد و سی هشت کتابی در سراسر کشور منتشر خواهد ساخت که بمحض انتشار نایاب خواهد شد از هم اکنون منتظر آگهی و انتشار توزیع قبوض این کتاب باشید از این کتاب کسانی استفاده مینمایند که قبض در دست داشته باشند